

شناسایی عوامل تعیین‌کننده توسعه تجارت در کشورهای عضو گروه دی هشت

محمد راستی

(پژوهشگر موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی)

mrasti20@yahoo.com

تجارت/ درآمد سرانه/ اندازه اقتصاد/ توسعه مالی/ دی هشت

مقدمه

چکیده

ایجاد زمینه‌های مناسب برای حرکت در جهت همگرایی‌های منطقه‌ای و افزایش همکاری‌ها به منظور توسعه تجارت کشورهای عضو یک موافقتنامه تجاری، مستلزم شناخت عوامل تعیین‌کننده توسعه تجارت و همچنین بررسی آثار مثبت و منفی آن عوامل بر تجارت کشورهای عضو است. در مقاله حاضر سعی شده است تا برخی از مهمترین عوامل تعیین‌کننده توسعه تجارت اعضای یکی از موافقت‌نامه‌های مهم منطقه‌ای به نام گروه دی هشت مورد شناسایی قرار گیرد. گروه دی هشت متشکل از هشت کشور مسلمان در حال توسعه و بزرگ اسلامی شامل ایران، ترکیه، پاکستان، بنگلادش، مالزی، اندونزی، مصر و نیجریه است که رسماً از تاریخ ۲۵ خرداد ماه ۱۳۷۶ (۱۵ ژوئن ۱۹۹۷) با برگزاری اولین اجلاس سران گروه در استانبول آغاز به کار کرد. شایان توجه است که اصلاح موقعیت کشورهای در حال توسعه مزبور در اقتصاد جهانی، خلق فرصت‌های جدید در روابط جهانی، تقویت مشارکت در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی و تهیه

در مقاله حاضر برخی عوامل مهم تعیین‌کننده توسعه تجارت شناسایی گردیده و سپس به بررسی آثار آن‌ها بر افزایش تجارت گروه دی هشت پرداخته شده است. یافته‌ها حاکی از نقش موثر درآمد سرانه بالا و توسعه مالی کشورها بر گسترش تجارت آن‌ها است. از این رو پیشنهاد گردید که برای توسعه تجارت لازم است هر دو بخش واقعی و مالی اقتصاد مورد توجه قرار گیرد. به علاوه یافته‌های دیگر مقاله نشان داده است که اندازه بازارها بر توسعه تجارت اثر معکوس داشته و بیانگر بالا بودن هزینه خودکفایی در کشورهای با بازار کوچکتر در مقایسه با کشورهای دارای بازار بزرگتر است. بنابراین در ادامه توصیه گردید به منظور ارتقاء و توسعه بیشتر تجارت اعضاء گروه دی هشت چند کشور دارای درآمدهای سرانه و توسعه مالی بالاتر و به‌طور نسبی برخوردار از اندازه بازار کوچکتر نیز به اعضای این گروه افزوده گردد.

بهرتر استانداردهای زندگی از اهداف گروه دی هشت است. این مقاله ابتدا مروری بر ادبیات موضوع با تاکید بر نقش توسعه مالی بر تجارت خواهد داشت. در ادامه پس از مرور وضعیت توسعه مالی در کشورهای عضو گروه دی هشت، الگوی مناسب ارائه می‌شود. سپس به منظور شناسایی عوامل تعیین کننده توسعه تجارت الگوی مذکور برآورد شده و مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در پایان نیز جمع‌بندی، نتیجه‌گیری نهایی و توصیه‌های سیاستی ارائه می‌گردد.

۱. مروری بر ادبیات موضوع

سوالرد و ولاچز [۱] (۲۰۰۲) به بررسی ارتباط میان باز شدن تجاری و توسعه مالی پرداختند. مبانی نظری مطالعه آن‌ها بر اساس مباحثی است که افزایش محدودیت‌های تجاری را در نتیجه ملاحظات بیمه‌ای (در صورت عدم وجود کامل تنوع ریسک) می‌داند. آن‌ها معتقد بودند که بر اساس این نظریه‌ها این مهم استنباط می‌گردد که توسعه موسسات تنوع بخشی ریسک و به‌طور کلی بازارهای مالی می‌تواند به کاهش موانع تجاری منتهی شود که مطابق با نظر آن‌ها تا آن زمان علی‌رغم تعدادی مباحث نظری هیچ کار تجربی صورت نگرفته بود. بر این اساس و با توجه به نظریه آلسینا و واسزیارگ (۱۹۹۸) که دلالت بر کمتر بودن هزینه خودکفایی در کشورهای بزرگتر نسبت به کشورهای کوچکتر دارد، بدین معنی که کشورهای با بازارهای بزرگ در مقایسه با کشورهای با بازار کوچک از درجه باز بودن کمتری برخوردارند، به معرفی و اجرای الگوی زیر پرداختند.

(اندازه بازار، تولید ناخالص داخلی و توسعه مالی) $f =$ سیاست تجاری همچنین فلسفه انتخاب سوالرد و ولاچز برای متغیر GDP به عنوان عوامل تشکیل دهنده سیاست تجاری بدین شرح است که تقاضا برای تنوع انتخاب کالاها همراه با افزایش ثروت و به عبارت دیگر GDP است.

در الگوی فوق درجه باز بودن تجاری به عنوان شاخص سیاست تجاری [۱] و سهم تولید ناخالص داخلی کشور به کل دنیا به عنوان شاخص اندازه بازار [۳] در نظر گرفته شده است. نتایج بدست آمده از این تحقیق (سوالرد و ولاچز ۲۰۰۲) دلالت بر

وجود یک ارتباط مثبت و معنی دار دو طرفه میان توسعه مالی و سیاست‌های آزادسازی تجاری دارد.

لازم به ذکر است که در سال‌های اخیر اهمیت ارتباط توسعه مالی و تجارت بین‌الملل مورد توجه تعدادی از اقتصاددان قرار گرفته است. در واقع به جز موارد بسیار معدودی (مانند مطالعه کلتر و باردهن ۱۹۸۷) که اشاراتی در این زمینه داشته‌اند، اقتصاددانان این موضوع را در هر دو بعد نظری و تجربی از سال ۲۰۰۲ و به خصوص از سال ۲۰۰۴ مورد بررسی قرار داده‌اند. در این ارتباط مطالعه کلتر و باردهن [۴] (۱۹۸۷) دلالت بر این مهم است که کشورهایی که به‌طور نسبی از بخش مالی توسعه یافته‌تری برخوردارند دارای یک مزیت نسبی در صنایع و بخش‌هایی هستند که به بخش مالی و تامین مالی از منابع خارج از بنگاه اتکاء دارند. همچنین نظرات بک [۵] (۲۰۰۲) بر توانایی بخش مالی در کانالیزه کردن پس اندازها به بخش خصوصی و از این رو کمک به برطرف شدن محدودیت‌های نقدینگی آن‌ها متمرکز شده است و این امر منجر به حرکت اقتصاد به سمت تخصص‌گرایی و صرفه‌های ناشی از مقیاس می‌گردد. بر این اساس اقتصادهای با سیستم مالی توسعه‌یافته‌تر و با سطح بالاتری از تامین مالی خارجی باید دارای مزیت نسبی در بخش‌های دارای صرفه‌های ناشی از مقیاس بالا باشند. نتایج بررسی بکر و گرینبرگ [۶] (۲۰۰۵) نشان داد که داشتن یک سیستم مالی بهتر باعث افزایش صادرات می‌گردد.

یافته‌های سوالرد و ولاچز (۲۰۰۵) دلالت بر این مهم است که کشورهای با سیستم‌های مالی به درستی توسعه یافته، تمایل به متخصص شدن در صنایعی دارند که از درجه بالایی از وابستگی به تامین مالی خارجی برخوردارند. مطابق با بررسی آن‌ها اگر چه این نتایج تعجب‌آور نیست اما درجه و اندازه آن جالب به نظر می‌رسد. در واقع وجود تفاوت‌ها در سیستم‌های مالی، در مقایسه با وجود تفاوت‌ها در سرمایه انسانی، عامل مهمتری در الگوی تخصصی بودن بین کشورهای OECD است. هور، راج و ریانتو [۷] (۲۰۰۶) به بررسی ارتباط میان توسعه مالی، دارایی‌های مشهود و تجارت بین‌الملل پرداختند. نتیجه نهایی تحقیق آن‌ها در مورد رابطه میان توسعه مالی و تجارت بین‌الملل

این است که کشورهایی که به طور نسبی از بخش مالی به درستی توسعه یافته برخوردارند از مزیت نسبی در صنایعی که مشخصه آن‌ها وجود دارایی‌های نامشهود است، برخوردارند. در مقابل کشورهایی که از سطح ضعیف‌تر توسعه مالی برخوردارند از مزیت نسبی در صنایعی که مشخصه آن‌ها وجود دارایی‌های مشهود است، برخوردارند.

۲. مروری بر وضعیت شاخص توسعه مالی در کشورهای عضو گروه دی هشت

در این قسمت وضعیت یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه مالی - نسبت اعتبارات بانکی به بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی - کشورهای عضو گروه دی هشت با جهان مورد

بررسی تطبیقی قرار می‌گیرد. با توجه به جدول (۱) ملاحظه می‌گردد که میانگین شاخص توسعه مالی فوق نه تنها در کلیه کشورهای عضو گروه دی هشت از میانگین جهانی پایین‌تر است، بلکه میانگین این شاخص در کشورهای عضو این گروه حتی از میانگین کشورهای با درآمد پایین و متوسط نیز پایین‌تر است. از این رو وضعیت توسعه مالی گروه دی هشت در مقایسه با کل دنیا نامناسب است. شایان توجه است که در این قسمت به منظور بررسی تطبیقی مناسب، شاخص استفاده شده برای کشورهای مختلف (از جمله ایران) از World Development Indicators 2009 گردآوری شده است. بنابراین ممکن است در مقادیر آن‌ها با آمارهای منتشره توسط منابع داخلی، تفاوت‌هایی وجود داشته باشد.

جدول ۱ - وضعیت شاخص توسعه مالی در کشورهای عضو گروه دی هشت (۲۰۰۷)

کشور	نسبت اعتبارات بانکی به بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی (درصد)	نسبت سطح توسعه مالی هر کشور/گروه به میانگین جهانی (درصد)
بنگلادش	۵۸/۲	۴۲/۹
مصر	۸۹/۵	۶۶
اندونزی	۴۰/۵	۲۹/۹
ایران	۵۰/۵	۳۷/۲
مالزی	۱۱۳/۴	۸۳/۶
نیجریه	۲۰/۲	۱۴/۹
پاکستان	۴۵/۷	۳۳/۷
ترکیه	۴۸/۷	۳۵/۹
میانگین اعضاء گروه دی هشت	۵۶/۷	۴۱/۸
کشورهای با درآمد پایین و متوسط	۵۹	۴۳/۵
جهان	۱۳۵/۶	۱۰۰

ماخذ: World Development Indicators ۲۰۰۹

مقاله الهام گرفته از الگوی پیش گفته سوآلرد و ولاچز (۲۰۰۲) است:

$$Trade_i = \beta_1 + \beta_2 GDP_i + \beta_3 Finance_i + \beta_4 Size_i + \varepsilon_i$$

به طوری که Trade درجه باز بودن تجاری به عنوان شاخص

۳. روش شناسی و تحلیل نتایج

در این قسمت الگوی مناسب برای بررسی آثار درآمد سرانه، اندازه اقتصاد و توسعه مالی بر تجارت در کشورهای عضو گروه دی هشت ارائه و معرفی می‌شود. الگوی استفاده شده در این

توسعه تجارت، GDP درآمد سرانه به قیمت ثابت، Finance نسبت اعتبارات تخصیص یافته به بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص توسعه مالی و اندازه سهم تولید ناخالص داخلی کشور به کل دنیا به عنوان شاخص اندازه بازار و اقتصاد در نظر گرفته شده است. این الگو به وسیله روش اقتصادسنجی پانل دیتا و حداقل مربعات معمولی و آزمون هاسمن در چارچوب آن و برای دوره زمانی ۲۰۰۵-۱۹۸۰ و در نمونه آماری کشورهای عضو گروه دی هشت اجرا می‌شود. با توجه به بررسی ادبیات نظری پیش گفته انتظار بر این است که ضرایب متغیرهای درآمد سرانه و توسعه مالی مثبت و اندازه بازار منفی برآورد گردند.

نتایج جدول (۲) پیوست که بر اساس اجرای آزمون هاسمن بدست آمده، دلالت بر تایید اثر ثابت و عدم تایید اثر تصادفی در اجرای روش پانل دیتا دارد. از این رو اجرای روش پانل دیتا با استفاده از اثر ثابت در الگوی مورد بررسی شناسایی عوامل تعیین کننده توسعه تجارت مورد تایید قرار می‌گیرد. مطابق جدول (۳) پیوست، متغیرهای لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه و شاخص توسعه مالی از ضرایب مثبت و معنی‌دار برخوردار هستند که دلالت بر آثار مثبت درآمد سرانه و توسعه مالی بر افزایش تجارت کشورهای عضو گروه دی هشت دارند. علاوه بر این، ضریب منفی و معنی‌دار اندازه بازار یا اقتصاد نشان دهنده این امر است که افزایش حجم اقتصاد این کشورها در بازار و اقتصاد جهانی موجب کاهش تجارت آن‌ها می‌گردد. به عبارت دیگر تاثیر منفی اندازه بازار یا اقتصاد بر توسعه تجارت کشورهای عضو گروه دی هشت مورد تایید قرار می‌گیرد.

جمع‌بندی و ملاحظات

در این مقاله به شناسایی برخی از مهمترین عوامل تعیین کننده توسعه تجارت و سیاست تجاری اعضای یکی از موافقتنامه‌های مهم منطقه‌ای پرداخته شد. یافته‌ها حاکی است تولید ناخالص داخلی یا درآمد سرانه (از مهمترین مولفه‌های عملکرد بخش واقعی اقتصاد) و توسعه مالی (نشان دهنده وضعیت بخش مالی یا روی دوم سکه اقتصاد)، از عوامل تعیین

کننده و موثر بر توسعه تجارت گروه دی هشت هستند. به عبارت دیگر توسعه هر دو بخش مالی و واقعی اقتصاد آثار مثبتی بر افزایش و توسعه تجارت این کشورها دارند. بنابراین در کشورهای عضو گروه دی هشت نظریه‌هایی که درآمد سرانه و توسعه مالی را از عوامل تشکیل دهنده توسعه تجارت می‌دانند، مورد تایید قرار می‌گیرد. همچنین بر اساس نتایج این مقاله ملاحظه می‌گردد که اندازه یا سهم بازار اثر منفی بر تجارت اعضای گروه دی هشت داشته و در این کشورها نظریه‌هایی که دلالت بر کمتر بودن هزینه خودکفایی در کشورهای بزرگتر نسبت به کشورهای کوچکتر دارد، مورد تایید قرار می‌گیرد.

در مجموع با توجه شناخت توسعه مالی به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده توسعه تجارت در کشورهای عضو گروه دی هشت از یک طرف و عدم توسعه یافتگی مناسب بخش مالی این کشورها از طرف دیگر، شایسته است تا با توجه به مباحث مطرح شده در ادبیات نظری در مورد نقش مهم و موثر توسعه مالی بر عملکردهای اقتصادی، اصلاح و توسعه بخش مالی این کشورها در دستور کار قرار گیرد تا این بخش بتواند نقش مفید و موثرتری در عملکردهای اقتصادی نظیر رشد اقتصادی و به ویژه توسعه تجارت آن‌ها داشته باشد. علاوه بر این با توجه به مشخص شدن تاثیر مثبت درآمد سرانه بر توسعه تجارت کشورهای مزبور توصیه می‌گردد که این کشورها اقدامات لازم را جهت افزایش تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی و به تبع آن درآمد سرانه خود اعمال کنند. تا این امر در توسعه تجارت کشورهای مورد نظر موثر شود. همچنین یافته‌های دیگر مقاله حاکی است اندازه یا سهم بازار بر تجارت اعضای گروه دی هشت تاثیر منفی دارد. بنابراین برای توسعه تجارت این کشورها پیشنهاد می‌گردد تا چند کشور با اندازه بازار کوچک اما برخوردار از سطح درآمد سرانه و توسعه مالی بالا به اعضای این گروه افزوده گردند تا این موضوع بتواند کمک موثری در ارتقای توسعه تجارت اعضای این گروه ایفا کند.

- Hur, Jung; Manoj Raj and Yohanes E. Riyanto (2006) "Finance and Trade: A Cross-Country Empirical Analysis on the Impact of Financial Development and Asset Tangibility on International Trade" *World Development* Vol. 34, No. 10, pp.1728–1741.
- King, R. And R. Levine(1993) "Finance and Growth: Schumpeter Might be Right", *The Quarterly Journal of Economics*, August, 717-737.
- Kletzer, Kenneth, and Pranab Bardhan (1987) "Credit Markets and Patterns of International Trade," *Journal of Development Economics*, 27, 57—70.
- Levine, R. (1997) "Financial Development and Economic Growth: Views and Agenda", *Journal of Economic Literature*, June, 688-726.
- Svaleryd, H. and Vlachos, J. (2002) "Markets for Risk and Openness to Trade: How are They Related", *Journal of International Economics*, 57, 369 – 395.
- Svaleryd, Helena, and Jonas Vlachos (2005) "Financial Markets, the Pattern of Industrial Specialization and Comparative Advantage: Evidence from OECD Countries," *European Economic Review*, 49, 113-144.
- World Development Indicators 2008 and 2009, the World Bank.
1. Svaleryde and Vlachos
 2. Trade Policy
 3. Market Size
 4. Kletzer and Bardhan
 5. Beck
 6. Becker and Greenberg
 7. Hur, Raj and Riyanto
- Arestis, P. and P. Demeriades "Financial Development and Economic Growth: Assessing the Evidence", *the Economic Journal*, May 1997, 107:783-799.
- Beck, Thorsten, 2002 "Financial Development and International Trade. Is There a Link?", *Journal of International Economics*, June 2002, 57(1), 107-131.
- Beck, Thorsten (2003) "Financial Dependence and International Trade," *Review of International Economics*, 11, 296-316.
- Beck, T., Demirgüç-Kunt, A., & Levine, R., 2000 "A new database on financial development and structure". Policy Research Paper No. 2147. Washington, D.C.: World Bank.
- Becker, Bo and David Greenberg 2005, "Financial Development and International Trade": World Bank.

جدول ۲- نتایج آزمون هاسمن

Correlated Random Effects - Hausman Test				
Pool: POOL01				
Test cross-section random effects				
Test Summary	Chi-Sq. Statistic	Chi-Sq. d.f.	Prob.	
Cross-section random	21.390671	21.390671	0.0001	
Cross-section random effects test comparisons:				
Variable	Fixed	Random	Var(Diff.)	Prob.
?LGDP	84.977046	48.350017	117.713496	0.0007
?FIN	0.269614	0.379937	0.000672	0.0000
?SIZE	-58.296865	-27.458054	179.095519	0.0212
Cross-section random effects test equation:				
Dependent Variable: ?TRADE				
Method: Panel Least Squares				
Sample: 1980 2005				
Included observations: 26				
Cross-sections included: 8				
Total pool (balanced) observations: 208				
	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	-571.2926	96.37703	-5.927684	0.0000
?LGDP	84.97705	14.07374	6.037985	0.0000
?FIN	0.269614	0.075171	3.586693	0.0004
?SIZE	-58.29686	17.65675	-3.301676	0.0011
Effects Specification				
Cross-section fixed (dummy variables)				
Weighted Statistics				
R-squared	0.890481	Mean dependent var	59.30717	
Adjusted R-squared	0.884922	S.D. dependent var	45.03409	
S.E. of regression	15.27697	Akaike info criterion	8.342005	
Sum squared resid	45977.03	Schwarz criterion	8.518510	
Log likelihood	-856.5686	Hannan-Quinn criter.	8.413375	
F-statistic	160.1782	Durbin-Watson stat	0.277879	
Prob(F-statistic)	0.000000			

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۳- نتایج برآورد الگو با استفاده از روش پانل دیتا

Dependent Variable: ?TRADE				
Sample: 1980 2005				
Included observations: 26				
Cross-sections included: 8				
Total pool (balanced) observations: 208				
Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	-400.5162	62.57534	-6.400545	0.0000
?LGDP	60.83928	9.098836	6.686491	0.0000
?FIN	0.183977	0.081735	2.250887	0.0255
?SIZE	-32.52165	11.14691	-2.917547	0.0039
Fixed Effects (Cross)				
_BGD--C	30.69476			
_EGY--C	-24.23689			
_IDN--C	34.35193			
_IRN--C	-57.11477			
_MYS--C	12.58722			
_NGA--C	45.57346			
_PAK--C	3.390650			
_TUR--C	-45.24635			
Effects Specification				
Cross-section fixed (dummy variables)				
Weighted Statistics				
R-squared	0.844712	Mean dependent var	65.59645	
Adjusted R-squared	0.836830	S.D. dependent var	28.33883	
S.E. of regression	14.86511	Sum squared resid	43531.39	
F-statistic	107.1613	Durbin-Watson stat	0.355743	
Prob(F-statistic)	0.000000			
Unweighted Statistics				
R-squared	0.886019	Mean dependent var	59.30717	
Sum squared resid	47850.61	Durbin-Watson stat	0.253352	

ماخذ: یافته‌های تحقیق